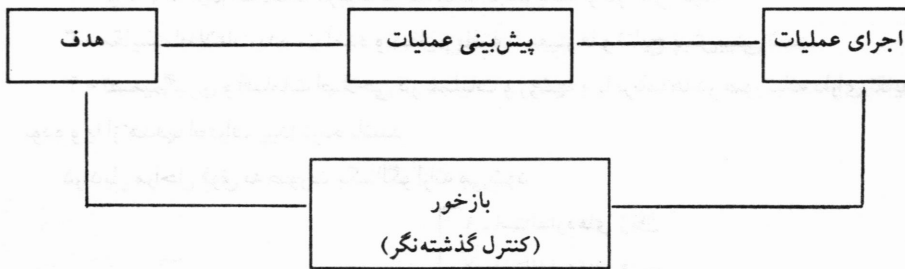


انواع کنترل

روشهای کنترل را می‌توان به چهار دسته به شرح ذیل تقسیم نمود. این روشها را می‌توان به تنهایی یا به صورت تلفیقی مورد استفاده قرار داد.

۱- کنترل بعد از انجام عملیات یا کنترل گذشته‌نگر:

مفهومی که از مکانیسم کنترل گذشته‌نگر به ذهن متبادر می‌شود، بازگشت و استفاده از اطلاعات گذشته برای مقایسه و یافتن انحرافات و انجام اصلاحات می‌باشد. نمودار شماره ۵- نشان دهنده نحوه عمل مکانیسم بازخور به عنوان کنترل‌کننده در یک سیستم است.



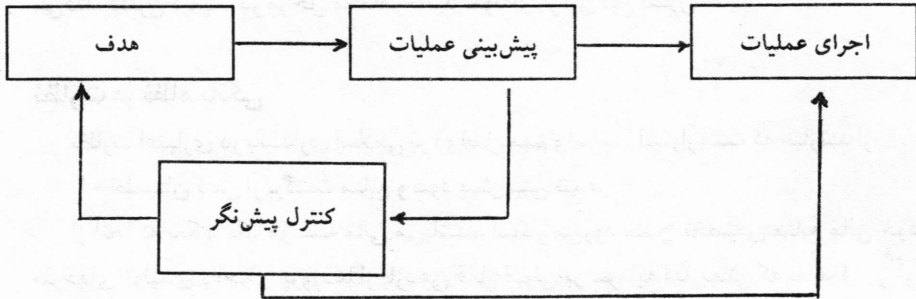
نمودار شماره ۵- مکانیسم بازخور

در این نوع کنترل نتیجه اجرای عملیات به وسیله مکانیسم بازخور با پیش‌بینی‌ها و هدف مقایسه شده و در صورت وجود انحراف اقدام اصلاحی به عمل می‌آید و در غیراین صورت عملیات بعدی انجام می‌پذیرد.

۲- کنترل قبل از انجام عملیات یا کنترل آینده‌نگر

این نوع کنترل‌ها ماهیتاً مانع بروز انحرافات می‌شوند. کنترل‌های مزبور به گونه‌ای طرح‌ریزی می‌شوند که از وقوع انحرافات که بعداً ممکن است به وجود آینده جلوگیری کنند. به عنوان مثال مدیر اعتبارات یک بانک ممکن است به منظور حصول اطمینان از اینکه اعتبارات در زمینه‌هایی که قبلاً پیش‌بینی شده است به مصرف می‌رسند، اعطای هر نوع اعتبار را کنترل کند.

در این قبیل موارد نیز به موجب عدم برنامه‌ریزی صحیح و فقدان منابع کافی انحرافات پدید می‌آیند. این نوع کنترل موانع و مشکلات را قبل از وقایع پیش‌بینی کرده و انجام اصلاحات را ممکن می‌سازد. نمودار شماره ۶ نشان دهنده کنترل پیش‌نگر می‌باشد.



نمودار شماره ۶- کنترل پیش‌نگر

همانطور که در شکل ملاحظه می‌شود کنترل پیش‌نگر با تکیه بر اطلاعات موجود در مورد هدف و پیش‌بینی‌های عملیاتی موثر بر آنها، قبل از آنکه به مرحله اجرای عملیات رسیده باشیم کنترل را عملی می‌سازد.

در اینجا کنترل با استفاده از ستاده‌ها انجام نمی‌گیرد. بلکه به کمک داده‌ها امر کنترل تحقق پیدا می‌کند. به کمک این کنترل، قبل از آنکه عملیات اجرا شده و نتایج حاصل گردد، نقاط قوت و ضعف شناسائی شده و اقدامات اصلاحی امکان‌پذیر می‌گردد.

۳- کنترل در حین انجام عملیات یا کنترل زمان وقوع

ویژگی این نوع کنترل، توانائی اقدام اصلاحی در حین انجام عملیات یعنی قبل از بروز انحراف است. کنترل در حین انجام عملیات وقتی موثر است که مدیر در مواقع لازم اطلاعات دقیقی از تغییرات محیط و یا میزان پیشرفت در جهت رسیدن به هدفها، در اختیار داشته باشد، کنترل در حین انجام عملیات مستلزم پیش‌بینی نتایج است. از این روی، ضروری است که برای تأمین صحت هرچه بیشتر پیش‌بینی نتایج، از شاخص‌هائی استفاده نمود. بعضی از این شاخص‌ها عبارتند از:

الف - شاخص‌های درونی داده‌ها

ب - موفقیت در مراحل اولیه

ج - علائم و نشانه‌ها

د - رویدادهای غیرمنتظره

۴- کنترل با استفاده از طرح سئوالات دو جوابه آری، نه:

کنترل مزبور اشتباهات را در دو مرحله برطرف کرده و از تجمع آنها در مراحل مختلف جلوگیری

می‌کند. کنترل کیفیت در مراحل مختلف تولید نمونه‌ای از این نوع کنترل است.

نظارت در نظام بانکی

نظارت اعتباری در بانکداری اسلامی بر دو اصل مهم و اساسی استوار است که عبارتند از:

۱ - اطمینان کامل از برگشت منابع و سود پیش‌بینی شده.

از آنجا که بانکها یک موسسه مالی می‌باشند، انتظار می‌رود ضمن تخصیص منابع مالی خود به طرحهای تولیدی و اجرای پروژه‌ها از بازدهی قابل قبولی بر سرمایه‌گذاریهائی که به عمل می‌آورند برخوردار باشند، ضمن توجه به این اصل اساسی که بانکها امین و شریک و وکیل سپرده‌گذاران می‌باشند. ماده اول آئین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا در این خصوص بیان می‌دارد که «اعطای تسهیلات توسط بانکها باید به ترتیبی صورت گیرد که بر اساس پیش‌بینیهای مربوط، اصل منابع تامین شده، برای این تسهیلات و همچنین سود مورد انتظار در صورت تحقق در مدت معینی قابل برگشت باشد.» لذا بانکها کوشش می‌نمایند تا از منابع خود در چارچوب اصول اقتصاد اسلامی برای تشویق شرکت عموم در سرمایه‌گذاری تولید استفاده نمایند.

ب: اعمال نظارت کافی و لازم

ماده چهارم آئین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اعلام می‌دارد: «بانکها بر حسن اجرای قراردادهای منعقد شده موضوع این آئین‌نامه اعم از نحوه مصرف و بازگشت تسهیلات اعطائی نظارت لازم و کافی به عمل خواهند آورد.

در نظام جدید بانکداری در کلیه مراحل اجرائی تسهیلات اعطائی به عنوان یک اصل لاینفک ابزارهای اعتباری از ابتدای انعقاد قراردادها تا مراحل پایانی آنها که برگشت منابع بانک خواهد بود، اعمال نظارت‌های لازم مورد تاکید قرار گرفته است. به علاوه برحسب دستورالعمل اجرائی و همچنین قراردادهای عقود اسلامی، اعمال نظارت به عنوان اختیارات قانونی تعیین گردیده است، بطوریکه بانکها مجازند در مواقع ضروری از کالا، اموال، محل کار کارگاه و یا دفاتر قانونی و اسناد حسابداری مشتریانی که به عنوان عامل قرارداد می‌باشند، به منظور اطمینان از مصرف صحیح تسهیلات اعطائی و نیز مباشرت مشتری در کار موضوع قرارداد از طریق اعزام ناظر، نظارت و بازدید به عمل آورند.

چگونگی اجرای نظارت

نظارت در سیستم نوین اعتباری مشتمل بر سه مرحله به شرح ذیل است.

الف - نظارت به هنگام بررسی تقاضا و تخصیص منابع.

ب - نظارت بر نحوه مصرف منابع

ج - نظارت بر بازگشت منابع.

الف: نظارت به هنگام بررسی تقاضا و تخصیص منابع

در این مرحله نیاز متقاضی و شرایط معامله از لحاظ فروشنده، تعداد، نوع، مشخصات وضعیت کالا و ترتیب تحویل آن و نیز تناسب موضوع معامله با فعالیت مشتری می‌باید مد نظر قرار گرفته، بنابراین اسناد مثبت و بررسی‌های لازم در حد نیاز واقعی و متعارف بودن معامله پیشنهادی اطمینان حاصل شود.

از آنجا که بررسی تقاضای متقاضی در استفاده از تسهیلات بانکی بعضاً احتیاج به زمان زیادی دارد، بانکها از قبل نسبت به مشتریان خود بررسی‌های لازم را به عمل می‌آورند و برای آنها حد اعتباری تعیین می‌نمایند. در تعیین و تشخیص اعتبار چهار عامل که به اصول کلی تعیین اعتبار معروفند مورد استفاده قرار می‌گیرند که به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از:

۱- شخصیت ۲- صلاحیت فنی ۳- سرمایه ۴- وثیقه

هرگونه تقاضائی با در نظر گرفتن ضوابط کلی فوق و رعایت دستورالعمل داخلی و سیاستهای اعتباری، هر بانک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ب: نظارت بر نحوه مصرف منابع

در این مرحله چگونگی استفاده و کاربرد تسهیلات تصویبی می‌باید مدنظر قرار گیرد و حسب مورد و به تناسب شرایط و نوع معامله تدابیر لازم ضمن حصول اطمینان از مصرف منابع تخصیصی صرفاً برای امور در نظر گرفته شده اتخاذ گردد.

ج: نظارت بر بازگشت منابع و سود مورد انتظار

از این به بعد نحوه ایفای تعهدات از سوی متقاضی و بازگشت به موقع منابع اعطائی بانک می‌باید مد نظر قرار گرفته و در صورت مشاهده هرگونه وقفه یا اشکال چگونگی امر مورد بررسی و تصمیمات لازم برای حفظ حقوق بانک گرفته شود.

عملکرد نظارت در سیستم بانکها

با این پیش فرض می‌توان گفت که جدید بودن قانون، تغییر بسیاری از ابزارهای سیاست پولی و تبدیل سیستم قدیم به جدید، ناباوری در زمینه مقررات و ضوابط، تعویض فکر و ذهنیت کارکنان

سیستم بانکی از معطوف بودن به شیوه‌های گذشته و انطباق آن با سیستم جدید، فقدان تجربه قبلی در زمینه بانکداری اسلامی، زیاد و پیچیده بودن مقررات و ضوابط جدید، برداشته‌ها و تفسیرهای متفاوت از ضوابط و مقررات، کمبود آموزشی و بسیاری مطالب دیگر، نحوه و سرعت عمل بانکها مآلاً نحوه و سرعت نظارت را باکندی و مشکل مواجه کرده و موجباتی را فراهم آورده است تا نتایج عمل را در سالهای اولیه کاهش دهد.

حال با توجه به مطالب تئوریکی که بیان گردید، می‌توان این نتیجه کلی را به دست آورد که آموزش در کوتاه‌مدت باعث افزایش دانش و معرفت کارمند گردیده و در درازمدت باعث تغییر در نگرش و بالا رفتن انگیزه کارمند گردیده و کارمندی که انگیزه کافی داشته باشد با نظارت و کنترل بر کارها در اجرای صحیح امور نقش بسزائی خواهد داشت. جهت اثبات یا رد این ادعا یک تحقیق میدانی در بانکهای مرکزی مازندران صورت گرفته است که در ذیل می‌آید.

بخش سوم

تحقیقات میدانی

تحقیقات میدانی از طریق توزیع پرسشنامه بین نمونه‌های جامعه آماری انجام شد. حجم جامعه آماری برابر ۳۴۴ بوده است که از میان آنها تعداد ۶۵ شعبه بانکهای منطقه مرکزی مازندران بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و سپس نسبت به توزیع پرسشنامه در بین نمونه جامعه آماری اقدام گردید. از تعداد پرسشنامه‌های توزیعی تعداد ۶۰ نفر پرسشنامه را تکمیل و عودت داده‌اند که معادل ۹۲/۳٪ نمونه را شامل می‌شود. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها نسبت به امتیازبندی سئوالات پرسشنامه اقدام گردید. سپس مجموع امتیازات مکتسبه در هر پرسشنامه برای هر فرضیه را بر تعداد سئوالات آن فرضیه تقسیم نموده و میانگین امتیازات پاسخ دهند، اول برای فرضیه اول، فرضیه دوم و فرضیه سوم به طور جداگانه به دست آمده است. برای کسب اطلاع از اینکه آیا در شعبه نمونه جامعه آماری مشکلات اجرائی در ارتباط با بایع سلف وجود دارد یا خیر نیز سئوالی طرح گردید. پاسخ دهندگان به آن سئوال نیز پاسخ داده‌اند. برای حصول اطمینان از اینکه پاسخ دهندگان تمام سئوالات پرسشنامه را با دقت مطالعه نموده و به سئوالات پاسخ داده‌اند یا خیر نیز تعداد ۳ سئوال بدیهی طرح شده است. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها مشخص گردید که کلیه پاسخ‌دهندگان سئوالات پرسشنامه را به دقت مطالعه نموده و به آن پاسخ داده‌اند. شرح چگونگی سئوالات و نحوه امتیازدهی آنها در ذیل آمده است.

برای فرضیه اول پژوهش تعداد ۱۹ سئوال و برای فرضیه دوم پژوهش تعداد ۱۲ سئوال و برای

فرضیه سوم پژوهش تعداد ۱۳ سؤال با الهام از مطالعات نظری طرح گردید. برای هر سؤال پنج پاسخ بسته (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) در نظر گرفته شده است. نحوه امتیازدهی به سئوالات با گرایش مثبت از ۱ تا ۵ و برای سئوالات با گرایش منفی از ۵ تا ۱ امتیاز در نظر گرفته شده است. با توجه به مجموع امتیازات حاصله برای هر فرضیه آنرا بر تعداد سئوالات همان فرضیه تقسیم نموده و بدین طریق میانگین امتیاز برای هر یک از فرضیات برای هر پاسخ دهنده به دست آمده است که نتیجه کلی حاصل از تعداد ۶۰ پرسشنامه در جدول شماره ۱ خلاصه شده است. حال با استفاده از جدول مذکور آزمون میانگین برای هر یک از فرضیات تحقیق و ضریب همبستگی بین هر یک از عوامل مشکلات اجرائی با عامل دیگر و در نهایت محاسبه اثرات هر یک از عوامل بر سطح مشکلات اجرائی با استفاده از رگرسیون صورت گرفته است که در ذیل به طور خلاصه ارائه می‌گردد.

برای محاسبه میانگین و آزمون میانگین، از فرمول‌های زیر استفاده شده است.

$$\bar{X} = \frac{\sum x_i}{n}$$

$$t = \frac{\bar{x} - \mu}{\frac{s}{\sqrt{n}}} = \frac{\bar{x} - \mu}{\frac{s}{\sqrt{\frac{N-n}{n-1}}}}$$

آزمون میانگین برای فرضیه اول

$$H_0 = \mu \geq 3$$

مسئولین شعب بانکها از آموزش کافی برخوردارند.

$$H_1 = \mu < 3$$

مسئولین شعب بانکها از آموزش کافی برخوردار نیستند.

میانگین بدست آمده برای فرضیه اول (عدم آموزش کافی مسئولین شعب بانکها از عوامل مشکلات اجرائی عقد سلف است) برابر ۳/۷۱ می‌باشد. به ظاهر \bar{X} از میانگین مورد انتظار یعنی ۳ بیشتر است. برای آزمون معنادار بودن این تفاوت از آماره t استفاده شده است که عدد بدست آمده برابر ۱۱/۱۴ می‌باشد. مقدار t جدول با درجه آزادی ۵۹ و سطح معنی ۵٪ برابر با ۱/۶۷۱۶ می‌باشد و از آنجائیکه t محاسباتی بزرگتر از t حاصله از جدول می‌باشد مقدار آن در ناحیه پذیرش واقع و در نتیجه فرض H_0 مورد پذیرش قرار گرفته و فرض H_1 رد گردید یعنی مسئولین شعب بانکها از آموزش کافی برخوردار بوده‌اند.

آزمون میانگین برای فرضیه دوم

$$H_0 = \mu \geq 3$$

مسئولین شعب بانکها از انگیزه کافی برخوردارند.

$$H_1 = \mu < 3$$

مسئولین شعب بانکها از انگیزه کافی برخوردار نیستند.

میانگین بدست آمده برای فرضیه دوم (عدم انگیزش کافی مسئولین شعب بانکها از عوامل مشکلات اجرائی عقد سلف است) برابر $3/54$ می باشد ظاهر \bar{X} از میانگین مورد انتظار یعنی ۳ بیشتر است. برای آزمون معنادار بودن این تفاوت نیز از آماره t استفاده شده است که عدد به دست آمده برابر با $6/86$ می باشد.

مقدار t جدول با درجه آزادی ۵۹ و سطح معنی 5% برابر با $1/6716$ می باشد و از آنجا که t محاسباتی بزرگتر از t حاصله از جدول می باشد، مقدار آن در ناحیه پذیرش واقع و در نتیجه فرض H_0 مورد پذیرش قرار گرفته و فرض H_1 رد شده است یعنی مسئولین شعب بانکها از آموزش کافی برخوردار بوده اند.

آزمون میانگین برای فرضیه سوم

مسئولین شعب بانکها در اعطای تسهیلات سلف نظارت کافی می نمایند. $H_0 = \mu \geq 3$
 مسئولین شعب بانکها در اعطای تسهیلات سلف نظارت کافی نمی نمایند. $H_1 = \mu < 3$
 میانگین بدست آمده برای فرضیه سوم (عدم نظارت کافی مسئولین شعب بانکها جهت اعطاء تسهیلات سلف از عوامل مشکلات اجرائی عقد سلف است) که برابر $2/5$ می باشد به ظاهر کمتر از میانگین جامعه (۳) می باشد. برای اینکه ببینیم تفاوت میانگینها معنادار است یا خیر با t مورد آزمون قرار گرفته است. عدد به دست آمده با $6/524$ - می باشد. در مقایسه با جدول در سطح معنی 5% و درجه آزادی 59 ($1/6716$)، t محاسباتی از t جدول کوچکتر می باشد. مقدار آن در ناحیه پذیرش واقع و در نتیجه فرض می بایستی H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته شود. یعنی می توان نتیجه گرفت. مسئولین شعب بانکها در اعطاء تسهیلات سلف نظارت کافی نمی نمایند.

آزمون میانگین برای سطح مشکلات اجرائی

جهت اجرای عقد سلف مشکل اجرائی وجود ندارد. $H_0 = \mu \leq 3$
 جهت اجرای عقد سلف مشکل اجرائی وجود دارد. $H_1 = \mu > 3$
 جهت اثبات اینکه آیا مشکلات اجرائی برای عقد سلف وجود دارد یا نه؟ علاوه بر سئوالات پرسشنامه برای ۳ فرضیه سئوال دیگری طرح گردید (انجام یک معامله واقعی سلف در شعبه شما به چه میزان از نظر اجرائی دارای مشکلات می باشد؟) میانگین بدست آمده برای سئوال مذکور برابر با $3/63$ می باشد. به ظاهر میانگین امتیاز مشکلات بیش از میانگین جامعه (۳) می باشد. به عبارت دیگر به ظاهر \bar{X} از میانگین مورد انتظار یعنی ۳ بیشتر است و برای آزمون معنادار بودن این اختلاف از آماره t استفاده شده است. عدد به دست آمده برابر با $3/612$ می باشد.

t بدست آمده از جدول در سطح معنی ۰.۵٪ و درجه آزادی ۵۹ برابر ۱/۶۷۱۶ می باشد. t محاسباتی بزرگتر از t جدول بوده و مقدار آن در ناحیه رد H_0 قرار می گیرد. لذا فرض مبنا H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می شود یعنی می توان نتیجه گرفت که در شعب بانکها از نظر اجرائی برای عقد سلف مشکل اجرائی وجود دارد.

محاسبه ضریب همبستگی بین هر یک از عوامل مشکلات اجرائی با عامل دیگر

برای محاسبه ضریب همبستگی بین دو متغیر X و Y از فرمول R یعنی فرمول ضریب همبستگی نمونه استفاده شده است.

$$R = \frac{n\sum xy - \sum x \sum y}{\sqrt{n\sum x^2 - (\sum x)^2} \sqrt{n\sum y^2 - (\sum y)^2}}$$

و سپس برای اینکه ببینیم عدد بدست آمده از نمونه اتفاقی نبوده و در جامعه نیز صادق است آنرا با استفاده از t مورد آزمون قرار داده ایم.

$$t = \frac{R\sqrt{n-2}}{\sqrt{1-R^2}} \geq t_{\alpha/2}, df = n-2$$

با استفاده از فرمولهای فوق ضریب همبستگی بین هر یک از دو عامل محاسبه شده و مورد آزمون قرار گرفته اند.

۱- ضریب همبستگی بین آموزش و انگیزش

ضریب همبستگی بین آموزش و انگیزش عدد ۰/۱۱۵- بدست آمده است و با t مورد آزمون قرار گرفت، عدد بدست آمده برای t برابر ۰/۸۴۱۹ می باشد که با توجه به فرض:

$$H_0 : R = 0$$

بین آموزش و انگیزش همبستگی وجود ندارد.

$$H_1 : R \neq 0$$

بین آموزش و انگیزش همبستگی وجود دارد.

با مراجعه به جدول، مقدار t برای مقدار $\frac{\alpha}{2} = ۰/۰۲۵$ و با درجه آزادی ۵۸ عدد ۲/۰۰۱۷ بدست آمده است که در مقایسه با t محاسباتی (۰/۸۴۱۹) ملاحظه می شود مقدار t محاسباتی (آماره آزمون) کوچکتر از t جدول می باشد. مقدار آن در ناحیه پذیرش قرار گرفته، لذا میتوان گفت که با سطح معنی ۰.۵٪ و درجه آزادی ۵۸ اختلاف بین دو میانگین معنی دار نبوده و به عبارتی H_0 پذیرش و H_1 رد می شود. یعنی در سطح معنی ۰.۵٪ و درجه آزادی ۵۸ بین آموزش و انگیزش همبستگی وجود ندارد.

۲- محاسبه ضریب همبستگی بین انگیزش و نظارت.

ضریب همبستگی بین انگیزش و نظارت عدد ۰/۴۹۷ بدست آمده است. سپس با t مورد آزمون قرار گرفته است. عدد بدست آمده برای t برابر ۴/۲۸۹۳ می باشد که با توجه به فرض:

بین انگیزش و نظارت همبستگی وجود ندارد. $H : R = 0$

بین انگیزش و نظارت همبستگی وجود دارد. $H_1 : R \neq 0$

با مراجعه به جدول در سطح معنی ۵٪ و با درجه آزادی ۵۸ عدد به دست آمده برای t برابر ۲/۰۰۱۷ باشد با توجه به اینکه t محاسباتی ۴/۲۸۹۳ می باشد یعنی بزرگتر از t جدول می باشد و مقدار آن در ناحیه رد H_0 قرار دارد، لذا H_0 رد و H_1 پذیرفته می شود. یعنی ضریب همبستگی محاسبه شده در سطح معنی ۵٪ معنی دار است از آنجا که علامت ضریب همبستگی مثبت است، می توان نتیجه گرفت که با افزایش انگیزش میزان نظارت نیز زیاد خواهد شد.

۳- محاسبه ضریب همبستگی بین آموزش و نظارت

ضریب همبستگی بین آموزش و نظارت عدد ۰/۲۴۷ بدست آمده است، سپس آنرا با t مورد آزمون قرار داده ایم عدد بدست آمده برای t برابر ۱/۸۸۴۳ می باشد که با توجه به فرض:

بین آموزش و نظارت همبستگی وجود ندارد. $H_0 : R = 0$

بین آموزش و نظارت همبستگی وجود دارد. $H_1 : R \neq 0$

عدد بدست آمده را با t جدول در سطح معنی ۵٪ و درجه آزادی ۵۸ (۲/۰۰۱۷) مقایسه کرد، و چون مقدار t محاسباتی کوچکتر از t جدول می باشد. و مقدار آن در ناحیه پذیرش واقع و در نتیجه فرضیه H_0 پذیرفته و H_1 رد می شود و می توان نتیجه گرفت که در سطح معنی ۵٪ بین آموزش و نظارت همبستگی وجود ندارد.

محاسبه اثرات هر یک از عوامل بر سطح مشکلات اجرایی با استفاده از رگرسیون

برای بررسی اثرات متغیرهای آموزش، انگیزش و نظارت بر سطح مشکلات اجرایی اعطاء تسهیلات سلف در بانکهای منطقه مرکزی مازندران، رگرسیون خطی سه متغیر، بر اطلاعات حاصل از ۶۰ پرسشنامه برازش داده شده است. الگوی برآورد شده به صورت زیر می باشد.

$$Y = \alpha + \beta_1 Tr + \beta_2 MO + \beta_3 Ct + e$$

که در آن مشکلات اجرایی = Y ، آموزش = Tr ، انگیزش = MO و نظارت = Ct

$$Y = ۸/۴۳ - ۰/۲۶Tr - ۰/۰۳MO - ۱/۵Ct$$

$$(۸/۱۵) (-۱/۰۸۶) (-۰/۱۲۱۰) (-۵/۶۳۸)$$

$$R^2 = ۰/۴۷$$

$$D.W = ۰/۰۴۳$$

$$F = ۱۶/۷۶$$

$R^2 = ۰/۴۷$ بیانگر این است که این الگو (رگرسیون) تنها ۴۷٪ از تغییرات در سطح مشکلات را توضیح می‌دهد. در اینجا مشکلات تابعی از سطح آموزش، انگیزش و نظارت در نظر گرفته شده است. اگرچه ضرایب متغیرهای آموزش و انگیزش در سطح بالائی معنی‌دار نیستند اما علامتهای بدست آمده، جهت اثرات آنها را بر سطح مشکلات نشان می‌دهد یعنی با افزایش سطح آموزش و سطح انگیزش، سطح مشکلات اجرایی کاهش می‌یابد.

با توجه به ضریب متغیر سطح نظارت، در ازای هر واحد افزایش در سطح نظارت به مقیاس اندازه‌گیری شده، در پرسشنامه‌ها به اندازه ۱/۵ واحد از سطح مشکلات کاسته خواهد شد.

یافته‌های تحقیق

هدف از انجام هر پژوهشی دستیابی به یک سری اطلاعات در مورد موضوع خاص و سرانجام ارائه پیشنهاداتی برای حل یک معضل یا ایجاد بهبود در یک وضعیت مورد نظر می‌باشد.

حال با توجه به مطالعاتی که انجام شده و همچنین تجزیه و تحلیل پاسخیهای پرسشنامه جمع‌آوری شده از نمونه جامعه آماری یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود.

۱ - با توجه به مطالعات نظری انجام شده برای ایجاد هر نوع تغییری در سازمان یکی از اصولیترین کاری که می‌باید انجام گیرد آموزش دادن کارکنان می‌باشد تا از مقاومت در مقابل تغییر جلوگیری شود. لذا با توجه به تحقیق میدانی انجام شده و بررسی و تجزیه و تحلیل آماری نتایج پرسشنامه‌ها مشاهده می‌شود که در مجموع مسؤولین شعب بانکها جهت آشنائی با عقود اسلامی مخصوصاً عقد سلف از آموزش کافی برخوردار بوده‌اند و دوره‌های آموزشی لازم که از محتوای مطلوب نیز برخوردار و به دور از تشریفات باشد در سیستم بانکی مازندران برگزار شده بنابراین با توجه به یافته مذکور فرضیه اول تحقیق که عدم آموزش کافی مسؤولین شعب بانکها را از عوامل مشکلات اجرایی عقد سلف معرفی نموده است، مورد پذیرش قرار نگرفته و رد می‌گردد.

۲ - فرضیه دوم این پژوهش که عدم انگیزش کافی مسؤولین شعب بانکها را از عوامل مشکلات اجرایی عقد سلف معرفی نموده است ولی با توجه به بررسی و تجزیه و تحلیل آماری نتایج پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده از نمونه جامعه آماری مشخص گردید که مسؤولین شعب بانکها از انگیزه کافی برخوردارند تا در اجرای صحیح عقد سلف در سیستم بانکی اقدام نمایند. لذا فرضیه دوم این پژوهش مورد پذیرش قرار نگرفته و رد می‌گردد.

۳ - در مطالعات نظری اعلام شده است که آموزش در کوتاه‌مدت باعث افزایش شناخت و معرفت در انسان شده و در بلندمدت باعث تغییر در نگرش انسان و در تغییر رفتار وی مؤثر می‌باشد به عبارت دیگر آموزش در درازمدت با تغییر در نگرش انسان ایجاد انگیزه نموده و رفتار انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد ولی در این پژوهش با توجه به مطالب مذکور در فوق مشخص گردید که اولاً مسؤولین شعب بانکها جهت شناخت عقود اسلامی مخصوصاً عقد سلف از آموزش کافی برخوردار بوده‌اند ثانیاً جهت اجرای بیع واقعی سلف از انگیزه کافی برخوردارند اما انگیزش مسؤولین شعب ارتباطی چندانی به آموزش آنها نداشته است. زیرا ضریب همبستگی بین آموزش و انگیزش که از نتایج حاصل از پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده از نمونه جامعه آماری بدست آمده است بیانگر این است که بین آموزش و انگیزش همبستگی مثبت وجود دارد اما این همبستگی در حد بسیار پائین می‌باشد به طوریکه با آزمون فرضیه که انجام شده است در سطح معنی ۵٪ یا به عبارت دیگر با سطح اطمینان ۹۵٪ همبستگی آموزش و انگیزش مورد تأیید قرار نگرفته است.

۴ - فرضیه سوم این پژوهش چنین بوده است که عدم نظارت کافی مسؤولین شعب بانکها در اعطاء تسهیلات سلف از عوامل مشکلات اجرایی عقد سلف می‌باشد، و با توجه به بررسی‌های آماری انجام شده مشخص گردید که نظارت لازم و کافی در اعطاء تسهیلات سلف در سیستم بانکی وجود ندارد این امر با آزمون فرضیه نیز به اثبات رسیده است. همچنین با توجه به برآورد اثرات هر یک از عوامل مطرح شده در سه فرضیه پژوهش (آموزش، انگیزش و نظارت) در سطح مشکلات اجرایی عقد سلف، مشخص گردید که عدم نظارت باعث افزایش مشکلات اجرایی می‌گردد.

۵ - در برآورد اثرات عوامل آموزشی، انگیزش و نظارت در ایجاد مشکلات اجرایی توسط رگرسیون معلوم گردید که مشکلات اجرایی فقط به عدم نظارت بستگی نداشته و سایر عوامل مانند آموزش و انگیزش نیز در مشکلات اجرایی مؤثرند منتها اثر آنها ضعیف می‌باشد در مجموع عوامل مذکور تنها ۴۷٪ از تغییرات در سطح مشکلات را توضیح داده و باعث می‌شوند. لذا عوامل دیگری نیز مطرح هستند که باعث ایجاد مشکل اجرایی می‌باشند.

۶ - با توجه به مطالعات نظری انجام شده مشخص گردید یکی از مواردی که باعث می‌شود سطح نظارت افزایش یابد داشتن اعتقاد و باور به قوانین و مقررات موجود می‌باشد ولی با توجه به اینکه سطح باور و انگیزش مسؤولین شعب بانکها در حد قابل قبول می‌باشد و با توجه به اینکه سطح نظارت در حد مطلوبی نیست می‌توان نتیجه گرفت که عوامل دیگری باعث عدم نظارت کافی توسط مسؤولین شعب بانکها در اعطاء تسهیلات سلف می‌گردند.

۷ - در مطالعات نظری اعلام گردید که از آنجا که بانکها ممکن است امکانات لازم جهت تحویل کالا را نداشته باشند می‌توانند مشتری را به عنوان وکیل بانک و یا امین بانک تعیین نموده تا وی

کالای خریداری شده بانک در معامله سلف را به فروش رسانده و وجه آنرا به بانک پرداخت نماید ولی در تحقیقات میدانی مشخص گردید که اکثریت قریب به اتفاق شعب بانکها امکانات لازم جهت تحویل کالای مورد معامله سلف را دارا نمی‌باشند لذا در پایان مدت قرارداد از تحویل کالا خودداری نموده و بعضاً نسبت به وکیل یا امین نمودن مشتری جهت فروش کالا اقدام می‌نمایند و بقیه که اکثریت را شامل می‌شوند نسبت به اعطاء وکالت یا امین نمودن مشتری اقدام نموده و صرفاً به دریافت اصل پول پرداختی به اضافه حداقل سود مورد انتظار بانک در معاملات سلف اکتفا می‌نمایند و همچنین شعبی که مشتری را به عنوان وکیل و یا امین بانک انتخاب نموده‌اند بر کار فروش کالا توسط امین یا وکیل بانک (مشتری) هیچگونه نظارتی به عمل نمی‌آورند و مشتری وجه حاصل از فروش را به تمام و کمال به بانک پرداخت نمی‌نماید و صرفاً به پرداخت اصل پول دریافتی از بانک به اضافه حداقل سود مورد انتظار بانک اکتفا می‌نمایند. و این امر معاملات سلف را به معاملات ربوی نزدیک نموده و ایجاد شبهه در اذهان عموم می‌نماید.

پیشنهادات و توصیه‌ها

- ۱- با توجه به اینکه معامله سلف از جمله معاملات اسلامی در سیستم بانکی است که پول به مشتری بانک (متقاضی دریافت تسهیلات سلف) پرداخت می‌شود، حتی المقدور اسناد مثبت‌های از مشتری اخذ گردد تا بیانگر تولیدکننده بودن متقاضی و همچنین ظرفیت کافی واحد تولیدی وی جهت تولید کالای مورد معامله سلف باشد. جهت اطمینان از صحت مدارک مثبت ارائه شده بانکها می‌توانند با مراجع کنترل کننده مانند ادارات امور اقتصادی و دارائی و... مکاتبه نمایند.
- ۲- از آنجا که هدف قانونگذار از تصویب قانون جهت اجرای عقد سلف در سیستم بانکی کمک به افزایش تولید کشور می‌باشد لذا جهت حصول اطمینان از اینکه کالای مورد معامله سلف کالایی باشد که در زمان انجام معامله هنوز به مرحله تولید نرسیده و متقاضی با تسهیلات دریافتی زمینه تولید آن کالا را فراهم نموده و نسبت به تولید آن اقدام نماید پیشنهاد می‌گردد که مسؤولین بانکها و یا کارشناسان بانکها بعد از اعطاء تسهیلات سلف از واحد تولید متقاضی بازدید به عمل آورند تا اطمینان لازم جهت فعال بودن واحد تولید متقاضی را به دست آورند.
- ۳- نظر به اینکه مسؤولین شعب بانکها از آموزش و انگیزش کافی برخوردار می‌باشند اما علی‌رغم دو مورد مذکور نظارت لازم و کافی از سوی آنها به عمل نمی‌آید و این عدم نظارت ممکن است ناشی از عللی باشد که برای محقق ناشناخته باقی مانده است لذا پیشنهاد می‌گردد این موضوع بعنوان یک موضوع تحقیقاتی توسط سایر محققین مورد توجه قرار گیرد.
- ۴- جهت رفع مشکل نداشتن امکانات کافی جهت تحویل کالای خریداری شده از سوی بانکها

توصیه می‌شود که با توجه به اینکه در آینده نزدیک فروشگاههای زنجیره‌ای رفاه در سطح کشور فعال می‌گردند تولیدکنندگانی که محصولات تولیدی آنها به عنوان کالای مصرفی جامعه می‌باشد تولیداتی را که به عنوان کالای مورد معامله سلف با بانکهای معامله نموده‌اند را به وکالت و یا نمایندگی از بانکها به آن فروشگاهها تحویل و رسید دریافت نموده و رسید مذکور را جهت تسویه حساب به بانک طرف معامله خود ارائه نموده تسویه حساب نمایند. و بانکها نیز وجوه حاصل از فروش کالای معاملات سلف را از فروشگاههای زنجیره‌ای مطالبه نمایند. و از این طریق کالای معاملات سلف که در دفاتر بانکها دارای مانده می‌باشد تسویه گردد. همچنین کالاهای واسطه‌ای که قابل عرضه در فروشگاههای زنجیره‌ای نمی‌باشند به عنوان مواد اولیه تحویل کارخانجاتی که جهت تأمین مواد اولیه از بانکها تسهیلات دریافت می‌نمایند گردد و از این طریق مواد اولیه آن کارخانجات تأمین شده و بانکها نیز می‌توانند بطور نقد و یا اقساطی وجوه حاصل از فروش کالای معاملات سلف به این نوع کارخانجات را اخذ نمایند.

۵ - جهت حصول اطمینان از اینکه متقاضیان بیش از ظرفیت واحد تولیدی خود از تسهیلات بانکی استفاده نمایند پیشنهاد می‌گردد که بانک اطلاعاتی در هر شهرستان ایجاد شده و کلیه بانکها بطور روزانه اطلاعات لازم مربوط به گیرندگان تسهیلات سلف را به مرکز مزبور ارائه نموده و چنانچه بانکی بخواهد به مشتری خود تسهیلات سلف اعطا نماید از مدارک مورد نیاز جهت تکمیل پرونده تسهیلاتی متقاضی ارائه گواهی نامه عدم استفاده از تسهیلات سلف از سایر بانکها از سوی بانک اطلاعاتی باشد.

۶ - جهت مطابقت اجرای عقد سلف با قوانین و مقررات مربوط به عقد سلف، شعب بانکها در پایان مدت قرار داد، لزوماً نسبت به اعطاء وکالت یا امین نمودن مشتری اقدام نمایند و بر کار وکلا و امنای بانک نظارت هر چند کلی داشته باشند و اگر تمایل داشته باشند که به حداقل سود مورد انتظار بانک خود اکتفا نمایند می‌توانند در وکالتنامه مازاد مبلغ فروش را به عنوان حق الوکاله برای وکیل تعیین نمایند تا هم کار بانک با قوانین و مقررات شرع و کشور مطابقت داشته باشد و هم مشتریان بانک از پیش فروش محصولات تولیدی خود ضرر زیادی متوجه‌شان نشده باشد.

